



نوشته: سهیلا علیرضائزاد

سیر تحول مشاغل زنان

بر جای می‌گذارند که آنچه انجام می‌دهند، کم اهمیت‌تر است. این مسئله به دائمی شدن بهره‌وری (۲) پائینتر کارهایی از قبیل حمل آب و هیزم، آسیاب کردن حیوانات، آشپزی، بافندگی و حتی ریسندگی و تربیت بچه‌ها کمک می‌کند. چرا که در جامعه کنونی ابداعات تکنولوژیک ویژه تنها بر جزء کوچکی از این کارها تأثیر می‌گذارد. ولی مهمتر از همه این است که در دنیای صنعتی‌ای که باید پول باشد تا تجهیزات نوین و پیشرفته تهیه شود، [حاصل] این فعالیت‌ها هیچکدام قابل فروش نیستند. (۳) این وضعیت خودبخود، زنان را به سمت فعالیت‌های تولیدی‌ای که با ارزش‌های جامعه هم‌سنخ باشند و به ویژه کار در خارج از خانه سوق می‌دهد.

در غرب نیز تا هنگامی که اقتصاد مبتنی بر کشاورزی و دامداری مسلط بود، کل جامعه از نوع جامعه معنوی خانوادگی بود. به محض آن که صنعت در مقیاس بالا و حکومت براساس اصول دموکراسی و آزادی حرفه سازمان یافت و حرکتی برای استخدام هر چه بیشتر افراد در مزرعه آغاز شد و بالنتیجه موجبات کاهش تسلط خانواده (خانواده دودمانی و گسترده) را فراهم آورد. از حدود سال ۱۸۰۰ که پدر بیش از هر زمانی بیرون از خانه بود و خانواده درگیر نظام تعاونی‌ای (۴) که او

متفاوت است و از این‌رو اندیشه تقسیم وظایف بر مبنای توانهای جسمی و روانی نمی‌تواند به تنهایی این تقسیم‌بندی را تحلیل نماید. اما علیرغم تمام این تمایزات معمولاً عالی‌ترین سطوح وظایف و مسئولیت‌ها مردانه تلقی می‌شوند و ورود به دنیای مردانه برای زنان کار چندان آسانی نیست. مسئولیت‌های زنانه در تقسیم سنتی کار بین دو جنس، در جهان امروز، هر روز بیش از روز پیش کم‌ارزش به نظر می‌رسند. اگرچه زنان نوعاً طیف وسیعتری از فعالیت‌ها را برعهده دارند ولی کمتر از مردان پاداش پولی دریافت می‌دارند. فعالیت‌هایی که بر عهده زنان قرار دارد، به ویژه در اقتصاد متکی به کشاورزی، دقیقاً قابل برآورد و اندازه‌گیری نیست. این امر علی‌الخصوص هنگامی که در موقعیت‌های گوناگون (خانواده ما، دیگران و دیگر خانواده‌ها و نیز در کشاورزی تجاری و تولیدی خارج از فضای خانگی) رخ داده و مشاهده می‌شود، بیش از پیش به عنوان یک امر طبیعی، همه‌گیر و فاقد ارزش‌های مادی برآورد می‌شود.

زنان با توجه به تنوع نیازهایی که در خانواده و جامعه با آن مواجه بوده و مسئولیت رفع آن را برعهده دارند، (کمتر از مثلاً یک کارگر تمام‌وقت می‌توانند به نیازهای شخصی خود بپردازند) و با توجه به عادی بودن مسئله، این اثر را در انتظار

هستی اجتماعی به وضوح بیانگر دو دنیای انسانی متفاوت است. این تقسیم‌بندی در وهله اول مبتنی بر جنسیت است. دیرزمانی است که رابطه بین دو جنس و تبعات اجتماعی آن مورد بحث و بررسی متفکرین قرار گرفته است. برخی ریشه این تقسیم‌بندی را بر مبنای سرشت طبیعی زن و مرد انگاشته‌اند و بر این باورند که هر یک از این دو جنس بر مبنای کیفیت خلقت خود مستعد پاره‌ای وظایف هستند.

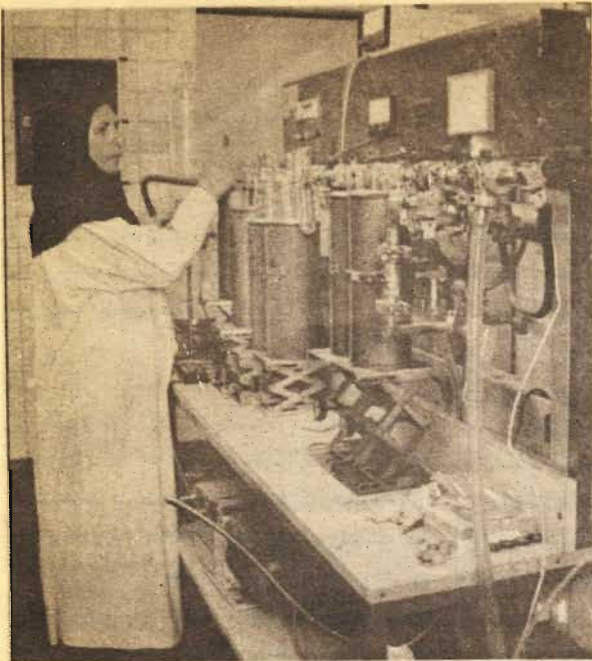
پذیرفتنی است که جوامع از دیرباز حریم فعالیت‌های زنانه و مردانه را تا حدود زیادی مشخص نموده‌اند و هیچ جامعه‌ای نیست که در آن مردان و زنان به تنهایی و خارج از چارچوب‌های جامعه بتوانند وظایفی را انتخاب و تقبل نمایند. کمابیش برخی از متفکرین بر این باورند که در جوامع معمولاً مسئولیت‌هایی که شامل نظارت، مدیریت و تصمیم‌گیری هستند، یعنی وظایفی در عالی‌ترین سطوح و بی‌هیچ نیازی به صرف نیروی بدنی به مردان محول می‌شوند. چه در جوامع صنعتی و چه در جوامع ابتدایی، مردان با تقبل چنین وظایفی از سوی زنان مخالفت ورزیده و خود نیز به انجام کارهای زنانه رغبتی نشان نمی‌دهند. (۱) قابل توجه است که حریم تقسیم کار بین زن و مرد در جوامع مختلف و نیز در ازمنه گوناگون

اداره می‌کرد نبود، وی در حد زیادی اقتداری را که پیش از آن داشت از دست داد. در عین حال جامعه بر اهمیت آنچه که فرد می‌توانست در ساخت حرفه‌ای انجام دهد، به عنوان شاخصی برای تعیین پایگاه وی تأکید نمود، بطوری که دیگر موقعیت خانوادگی فرد نمی‌توانست، مشخص‌کننده پایگاه وی باشد و اهمیت حاصل از فعالیت حرفه‌ای فرد پایگاه وی را سامان می‌داد. این تحول باعث شد تا زنان تلاش نمایند تا بیش از پیش در خارج از خانه کار کنند. (۵)

یکی از مردم‌شناسان معتقد است که «مهمترین پایگاه زن در هر مکانی، میزان مشارکت او در زندگی اقتصادی و کنترل او بر دارائی و محصولاتی است که تولید می‌کند. (۶) بر این اساس شناخت حجم این مشارکت و تحولات آن در ادوار مختلف تاریخ به شناخت پایگاه زن در جامعه کمک و افزری می‌نماید.

صنعت مدرن و فعالیت‌های اقتصادی زنان
نگاهی گذرا به تاریخ زندگی بشر نشانگر آن است که زنان در ادوار اولیه حیات بشری نقش ریزه‌ای در جامعه بازی نموده‌اند. اما ظاهراً نتوانستند این نقش را با تکامل تکنولوژی به همان‌سان حفظ نمایند. ظاهراً این وضعیت با ایجاد فاصله بین محل کار و مسکن تشدید یافت. امروزه نیز در نزد اکثریت وسیعی از جمعیت، در جوامع پیش صنعتی (و مردم بسیاری در جوامع جهان سوم امروزه) فعالیت‌های تولیدی و فعالیت‌های خانهداری مجزا نبودند و تولیدات در خانه و با نزدیک آن انجام می‌شد. در اروپای قرون وسطی همه اعضای خانواده در کار روی زمین و یا صنعت دستی مشارکت می‌کردند. در شهرها، مراکز کاری عمدتاً در خانه‌ها قرار داشت و اعضای فامیل در جنبه‌های مختلف فرایند تولید همکاری می‌نمودند. (۷)

در اروپا رشد تکنولوژی پس از انقلاب صنعتی و هجوم مهاجرین از روستا به شهر، زمینه‌های کاری جدید برای زنان ایجاد نمود. در اوایل حرکت انقلاب صنعتی و ایجاد تحول در صنایع هنوز کارفرمایان تمایل داشتند که کل افراد یک خانواده را به استخدام خود درآورند و از این‌رو کار تولیدی کماکان در واحد خانواده صورت می‌گرفت. در مراحل اولیه فرایند گسترش صنایع، واحد خانوادگی طبقه کارگر، همانند طبقات بورژوا و صنعت‌گرا از نظر اقتصادی مجموعه‌ای متشکل بود که در آن دستمزدها روی هم ریخته می‌شد. طبیعتاً در این قالب کار انجام شده توسط زنان با چرخه زندگی خانوادگی ارتباط نزدیک داشت. (۸) در این شرایط اهمیت درآمد مادی زن و ارتباط تنگاتنگ حضور حرفه‌ای او با حیات اقتصادی خانواده در حدی بود که چنانچه مادر به هر دلیلی ناگزیر از



است. (۱۲) می‌توان گفت که طبیعت کاری که جامعه روبرو صنعتی شدن دوران انقلاب صنعتی، از افراد می‌طلبید، اینچنین تمایزات مشخصی در تقسیم کار مبتنی بر جنس در درون خانوار ایجاد نمود و بدین ترتیب عنوان «زن خانه‌دار» پا به عرصه نهاد که در درون خود مفاهیم خامی از زن، مادر و همسر را به همراه داشت، چراکه مطرح شدن کار خانه زن که بیشتر به در خانه ماندن و بزرگ کردن فرزندان خلاصه می‌شد، تا پیش از انقلاب صنعتی که خانه به منزله محل واحد تولیدی بود، نمی‌توانست معنی داشته باشد. شایان توجه است که اگرچه در طی این تحولات قدرت مرد در داخل خانواده و اجتماع کاهش یافت، ولی این وضع با توجه به اینکه زن تبدیل به عنصری غیرفعال شده بود، در تحول موقعیت زنان تأثیر چندانی برجای نمی‌گذاشت.

تا قبل از تفکیک کامل کار خانه از کار بیرون، جز در خانه‌هایی که افراد مرفه در آن زندگی می‌کردند، کارهایی مانند خانه‌داری، نظافت روزانه، شستن، گردگیری، خرید و... جزو وظایف اصلی زنان محسوب نمی‌شد زیرا اتاق‌های خانه قدیمی مصرف اختصاصی نداشت و اغلب وسایل در تمام خانه به صورت پراکنده قرار گرفته بود. در یک خانواده متوسط محل غذاخوردن و آشامیدن و پختن و شستن فرقی نداشت و همه اینکارها در یک فضا انجام می‌گرفت، وظایف زنان ارتباط تنگاتنگی با کار مردان داشت و شکل خانواده مانند یک واحد تولیدی متحد بود. با توسعه جدایی محل کار از محل زندگی، تولید نیز از مصرف جدا شد. مردان تولیدکنندگانی بودند که به خارج از خانه راه یافتند و خانه محل استقرار زنان شد، جایی که اجناس در این محل به مصرف خانواده می‌رسید. بدین ترتیب زن خانه‌دار تبدیل به مصرف‌کننده‌ای

ترک کار می‌گشت، خانواده بناچار تنزل شدیدی را در درآمد خود متحمل می‌گشت. ولی حرکت تولید به سمت تولید مکانیزه و ایجاد کارخانجات در عین جذب وسیع نیروی کار تحولات زیادی در نحوه تقسیم کار درون خانوار فراهم آورد. «کارها در مرحله ماشینی توسط افرادی که مخصوصاً برای [اجرای] وظایف خواسته شده استخدام شده بودند انجام می‌شد. از این‌رو کارفرمایان اندک‌اندک کارگران را به عنوان افراد و نه خانواده متقبل شدند. زمان زیادی طول کشید تا روش قدیمی معامله خانوادگی به عنوان یک واحد رنگ باخت. اگرچه در اوایل قرن ۱۹ در بریتانیا و بسیاری کشورهای اروپایی دیگر کارفرمایان کماکان غالباً واحدهای خانوادگی را استخدام می‌کردند. قبلاً اگر پدر استخدام شده بود که در کار خانه کار کند، همسر و فرزندان به عنوان خدمتکاران خانگی و یا کارگر مزرعه (۹)، پذیرفته می‌شدند. (۱۰) بدین ترتیب همراه با تحول واحد فعالیت اقتصادی از خانواده به فرد، افراد خانواده نه به عنوان یک کل یکپارچه، بلکه به عنوان افراد مجزا در برابر جامعه صنعتی مطرح شدند.

در طی این روند زن طبقه کارگر به تدریج پایگاه خود را از دست می‌داد تا سرانجام همراه با رشد جامعه مصرفی، از بازار کار خارج شد. در درون این خانوار وظایف زن و شوهر بوضوح از یکدیگر تفکیک شدند، به نحوی که مرد به نان‌آور منحصرفرد و زن به مادر خانواده‌ای کوچک مبدل گردید. (۱۱) این جدایی چشمگیر بین فعالیت‌های زنانه و مردانه، موجب پیدایی مفهومی تحت عنوان زن خانه‌دار شد که پیش از آن حضور نداشت. برخی از اندیشمندان بر این باورند که «در بسیاری از فرهنگها، طبیعت کاری که توسط اعضای خانواده انجام می‌شود، تعیین‌کننده ساخت آن

میزان مشارکت اقتصادی زنان در آسیا

میزان مشارکت	همه		سال
	بخشهای	بخشها	
بخشهای کوچک	غیرکشاورزی		
کشورهای عمدتاً کشاورزی			
بنگلادش	۰/۹	۳/۴	۱۹۷۲
چین	۱۶/۸	۷۶/۵	۱۹۸۲
هند	۳/۲	۱۸/۶	۱۹۷۱
اندونزی	۱۲/۷	۲۹/۹	۱۹۸۱
نیپال	۱۴/۳	۳۵/۶	۱۹۷۱
	۰/۶	۳۴/۳	۱۹۷۱
	۱/۹	۲۵/۲	۱۹۸۱
			(گروه متوسط)
	[۸/۵]	[۳۵/۰]	[۲/۶]
کشورهای در حال صنعتی شدن			
مالزی	۱۸/۰	۳۵/۶	۱۹۷۰
فیلیپین	۲۳/۴	۳۳/۴	۱۹۷۰
سریلانکا	۲۶/۳	۴/۰۳	۱۹۷۵
تایلند	۱۷/۴	۳۰/۷	۱۹۷۱
	۱۲/۸	۲۶/۸	۱۹۷۰
	[۱۹/۵]	[۴۸/۷]	[۴/۱]
گروه متوسط کشورهای صنعتی شده			
هنگ کنگ	۴۱/۱	۴۲/۸	۱۹۷۱
	۲۴/۳	۲۵/۴	۱۹۷۶
	۴۸/۶	۴۹/۲	۱۹۸۱
جمهوری کره	۱۳/۲	۳۱/۶	۱۹۶۶
	۱۸/۰	۳۸/۴	۱۹۷۰
	۲۰/۳	۴۶/۷	۱۹۷۵
	۲۲/۴	۳۹/۵	۱۹۸۰
سنگاپور	۲۹/۵	۳۰/۲	۱۹۷۵
	۳۵/۴	۴۵/۷	۱۹۸۸
تایوان	۲۰/۱	۳۹/۹	۱۹۷۲
	۲۸/۰	۴۴/۲	۱۹۷۶
	۳۴/۱	۴۸/۱	۱۹۸۱
	(۳۰/۴)	(۴۱/۸)	(گروه متوسط)
کشورهای صنعتی			
ژاپن	۲۸/۶	۵۰/۱	۱۹۶۰
	۴۷/۷	۵۰/۹	۱۹۷۰
	۴۱/۷	۴۶/۹	۱۹۸۰

1 - Manufacturing sector 2 - Mean group

منبع: ILO سالنامه آماری کار، سالهای مختلف تایوان، سالنامه جمعیت شناختی، ۱۹۷۲، ۱۹۷۶ - ۱۹۸۱
توجه: میزانهای برای زنان بالاتر از ۱۵ سال است.
گروه متوسط وزن داده شده [۱] نیست.

متمرکز و توسعه صنایع کوچک چه رخ می دهد، جای بحث و گفتگوی بسیار دارد. بزرف (۱۹) (۱۹۷۰) ص ۱۱) می گوید: وقتی که صنایع بزرگتر به تدریج خانگی را از بازار کار خارج می کنند، زنان کارشان را از دست می دهند. در کلیه کشورهای که او درباره آنها اطلاعات جمع آوری کرده است، پایین ترین حد متعلق به زنان استخدام شده [در صنعت]، در مقایسه با کارگران فامیلی، یا کسانی که [به طور مستقل] برای خودشان کار می کنند بود. (۲۰)
در کشورهای فقیر وضعیت اشتغال زنان شرایط بدتری را نشان می دهد. علیرغم ساعات کار زنان و مسئولیت های سنگینی که بر عهده آنان است، به نظر می رسد که موقعیت زنان در کشورهای فقیر به طور محسوس در سال های اخیر بدتر شده است. گزارش کنفرانس نیم دهه (۲۱) «دهه زنان (۲۲) سازمان ملل» که در سال ۱۹۸۰ در کپنهاگ برگزار شد، تذکر داد که بطور ویژه، موقعیت اشتغال و تحصیلات زنان در روستاها و بخش های به اصطلاح حاشیه ای شهرها، بدتر شده است. در بسیاری کشورها شمار واقعی زنان بیسواد افزایش می یابد. در برخی کشورها، انتقال تکنولوژی نامتناسب، وضعیت اشتغال و سلامتی زنان را تنزل داده است و در بسیاری از کشورها زنان در طرح های توسعه ملی شرکت داده نمی شوند. (۲۳)
جدول زیر تحول در اشتغال زنان را در تعدادی از کشورها در طی سال های ۱۹۸۰ - ۱۹۵۰ نشان می دهد.

درصد زنان شاغل از کل جمعیت غیرنظامی در سالهای (۱۹۵۰ - ۱۹۸۰)

سال	۱۹۵۰	۱۹۶۰	۱۹۷۰	۱۹۸۰
نام کشورها				
استرالیا	*	۲۸/۲ b	۲۸/۸	۲۴/۱
کانادا	۲۱/۸	۲۶/۸	۳۳/۶	۳۹/۷
دانمارک	*	۳۱/۶	۳۱/۴	۴۳/۶
فرانسه	*	*	۳۵/۲	۳۸/
ایرلند	a ۲۶/۰	*	۲۶/۷	۲۸/۵
ایتالیا	*	۳۰/۱	۲۸/۳	۳۲/۱
ژاپن	*	۴۰/۷	۳۹/۳	۳۸/۷
نروژ	۲۷/۸	۲۹/۰	۳۰/۸	۴۰/۱
پرتغال	۲۳/۰	۱۸/۷	*	۳۸/۸
اسپانیا	۱۶/۱	*	۲۵/۰	۲۹/۰
سوئد	*	۳۶/۱ c	۳۹/۴	۴۵/۰
ایالات متحده	۲۰/۴	۳۳/۳	۳۷/۲	۴۲/۴

* اطلاعات در دست نیست ۱۹۶۲ = c ۱۹۶۴ = b ۱۹۵۱ = a
منبع: Giddens (Anthony) - Ibid - P: 172

شد که کار نمی کرد و «فعالیت تولیدی» وی از نظرها پنهان ماند. (۱۳)
میزان زنان شاغل در خارج از خانه، در کلیه طبقات، تا قرن بیستم کاملاً پایین بود، حتی تا حدود ۱۹۱۰، در بریتانیا، بیشتر از یک سوم زنان شاغل مزدبگیر، دوشیزه های خدمتکار و یا مستخدمان خانگی بودند، نیروی کار زنان عمدتاً شامل زنان جوان مجرد بود که تا هنگامی که در کارخانه ها یا ادارات کار می کردند، اغلب مردشان مستقیماً توسط کارفرما برای والدینشان ارسال می شد و هنگامی که ازدواج می کردند از کار کناره گیری می نمودند. تنها در طی سال های جنگ جهانی بود که زنان عهده دار مشاغل متنوعی شدند که سابقاً به عنوان قلمرو انحصاری کار مردان بدان نگریسته می شد. (۱۴) اما این بدان معنی نیست که این تنوع مشاغل محفوظ ماند زیرا نوعاً مردان به دلیل تحرک آسانتر و تبعیض در برابر زن در آموزش، تعلیمات و دستمزد، دسترسی بیشتری به استخدام دارند. معمولاً هر کجا [استخدام] زنان کارگر مرجع است، معمولاً بدان دلیل است که دستمزد آنان ارزانتر است و انتظار می رود که [آنان] رامتر [از مردان] باشند. به ویژه در جوامع توسعه یافته که تولید برای مصرف عمدتاً با تولید برای مبادله به عنوان نتیجه توسعه عوض شده است و در این فرایند، برخی وظایف بیشتر خانگی از طریق بازار [وارد] سهم مردان [از کار] می شود. لذا زنان به طور فزاینده ای حاشیه ای می شوند و مسئولیت های درونی از وظایف اساسی خانگی را حفظ می کنند و به سهم کمتری از فرصت های شغلی ایجاد شده دست می یابند. (۱۵) تسلط سیستم به اصطلاح Out door موجب انتقال کار به خارج از خانه و بی ارجمی کار خانگی شد. سیر نزولی در شمار زنان شاغل از آغاز قرن بیستم به بعد با دگرگونی نوع مشاغلی که زنان برعهده می گیرند، همراه بوده است. بین سال های ۱۹۰۶ تا ۱۹۶۲، تعداد زنان شاغل در صنایع حدود ۳۰۰ هزار نفر تنزل کرده و تعداد زنان در بخش رده سوم، صنایع خدماتی، بطور ثابت روبه افزایش بوده است. تنها از سال ۱۹۶۲ به بعد بود که تعداد زنان شاغل مجدداً روبه افزایش گذاشت. (۱۶) اما باید در نظر داشت که نقش زنان در صنعت مدرن همیشه نقشی ضعیف بوده است. زنان عموماً در صنعت مدرن به نسبت بازار و تجارت نمایندگان کمتری دارند. بیشتر آنهایی که در صنعت فعالیت می کنند، معمولاً یا برای خودشان و یا به عنوان بخشی از نیروی کار خانوادگی کار می کنند، صنایعی که مبتنی بر کار در خانه، از قبیل فرایند تهیه غذا، تهیه آبجو، بافندگی، سببسازی و کوزه گری سنتی هستند [این] فرایندها ساده و برای بیشتر مردان، زنان و کودکان شناخته شده بودند (گیتنر (۱۷) (۱۹۶۳) (۱۸) البته این امر که برای این چنین صنایعی، در هنگام رشد سرمایه

وضعیت اشتغال زنان در آسیا

علیرغم رشد نسبی درصد زنان شاغل در کشورهای توسعه یافته، درصد زنان شاغل در مناطق مختلف آسیا، گاه نرخ بسیار پائینی را نشان می‌دهد. در برمه، تایلند، فیلیپین، زنان حدود ۵ درصد از کل نیروی کار را در بازار [کار تشکیل می‌دهند]. در صورتی که در هند، سریلانکا و مالزی این نرخ حدود ۱۰ درصد می‌باشد. (۲۴) با توجه به این اصل که مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی تحت تأثیر عواملی چند از قبیل ساخت اقتصادی کشور و همچنین وضعیت اجتماعی غالب تعیین می‌شود. (۲۵) در کشورهای آسیایی نیز میزان مشارکت زنان در فعالیت‌های اقتصادی با توجه به اصل فوق، در هر دسته از کشورهای آسیایی با دیگری متفاوت است. در بین کشورهایی که متکی به کشاورزی هستند، میزان مشارکت زنان در بخش‌های غیرکشاورزی (۲۶) بطور قابل درکی، کمتر از ۷ درصد است. مشارکت زنان در بخش غیرکشاورزی در کشورهای به تازه‌گی در حال صنعتی شدن بسیار بالاتر از کشورهای است که اقتصاد آنان بر کشاورزی متکی است (بطور متوسط حدود ۲۰ درصد). این میزان به حدود سی درصد در بین کشورهایی که اقتصادشان به تازه‌گی صنعتی شده است، و به ۳۷ درصد در بین کشورهای صنعتی می‌رسد. (۲۷) این روند قابل پذیرش است، زیرا در جوامع پیش صنعتی، نقشها اغلب تا حدود زیادی به وسیله پایگاه جنسی تعریف می‌شوند. (۲۸) اما باید توجه داشت که یکی از دلایل اختلاف در مشارکت زنان در قسمت‌های مختلف آسیا، اختلافات ناحیه‌ای است. چنانکه کشورهای آسیای جنوبی سطح پائین‌تری از مشارکت زنان را در بخش غیرکشاورزی در مقایسه با دیگر کشورها در همان سطح از GDP نشان می‌دهند. در عین حال کشورهای آسیای شرقی سطح بالاتر مشارکت زنان را در بخش صنایع کوچک، [در مقایسه با] دیگر کشورها، با همان سطح توسعه اقتصادی نمایش می‌دهند. به عبارت دیگر اثرات ناحیه‌ای آسیای شرقی در ارتباط با میزان مشارکت زنان در بخش تولید صنعتی، احتمالاً عمدتاً مربوط به تقاضا برای نیروی کار زن است که بخشی از این تقاضا، نتیجه فقدان موانع نهادی برای ورود زنان به کار است. (۲۹) در عین حال در آسیای جنوبی، عمدتاً فاکتورهای اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی تعیین‌کننده سطوح اشتغال زنان است. این [اصل] به ویژه برای کارگران کشاورزی و زارعین خرده‌ها، در مناطق روستایی آسیا [ساری و جاری است]. زنان برخاسته از این گروه‌ها، نیروهایی هستند در جستجوی کار تا نیازهای اقتصادی اعضای خانواده [را تأمین نمایند]. فقر تنها و مهمترین فاکتور مؤثر بر نیروی کار زنان است. (۳۰)

توزیع حرفه‌ای زنان و مردان - نیروی کار غیرکشاورزی و شاخص تفکیک منطقه آسیا

شاخص تفکیک	Other سایر [1]	Prod تولید	Service خدمات	Sales تجارت	Cleric دفتری	Admin اداری	Prof حرفه‌ای	جنس	سال	
										۱. کشورهای عمدتاً کشاورزی - بنگلادش
	۲۳/۴	۲۷/۰	۳۷/۵	۸/۰	۲/۹	۴/۶	F	۱۹۸۱	
	۲۸/۱	۱۴/۲	۲۱/۲	۶/۹	۱/۲	۸/۵	M		
	۹/۲	۰/۴	۵۶/۶	۱۰/۶	۸/۳	۳/۲	۱۹/۴	F	۱۹۸۲	چین
	۵۷/۳	۶/۴	۵/۴	۵/۵	۷/۸	۱۷/۴	M		
	۲۶/۱	۲۶/۰	۲۷/۹	۱۷/۵	۸/۶	۳/۹	۱۵/۷	F	۱۹۷۱	هند
	۱۳/۷	۳۶/۹	۱۰/۶	۱۵/۹	۱۱/۵	۸/۸	M		
	۱۵/۵	۲۶/۴	۲۰/۷	۲۷/۹	۱۷/۱	۷/۷	F	۱۹۷۱	نپال
	۳۸/۹	۱۱/۷	۲۱/۴	۱۸/۲	۰/۴	۹/۴	M		
										۲. کشورهای در حال صنعتی شدن - مالزی
	۲۶/۰	۳۰/۱	۲۲/۸	۱۷/۹	۱۰/۲	۸/۱	۰/۲	F	۱۹۷۰	
	۱۲/۰	۳۹/۵	۱۳/۳	۱۷/۱	۸/۹	۱/۷	M		
	۲۹/۳	۴/۷	۲۲/۳	۲۳/۵	۲۷/۱	۸/۱	۱/۱	F	۱۹۷۴	فیلیپین
	۴/۴	۴۹/۵	۱۱/۱	۱۷/۰	۷/۴	۳/۲	M	-۷۵	
	۲۷/۲	۲۶/۳	۲۸/۷	۸/۰	۶/۴	۰/۳	۱۲/۶	F	۱۹۸۰	سریلانکا
	۱۸/۰	۳۵/۹	۷/۱	۱۳/۵	۸/۸	۱/۹	M	-۸۱	
	۲۳/۴	۱/۴	۳۱/۷	۱۲/۲	۳۴/۱	۶/۳	۱/۸	F	۱۹۸۰	تایلند
	۱۱/۷	۳۶/۰	۰/۷	۱۷/۷	۶/۱	۱۰/۶	M		
										۳. کشورهای صنعتی شده - هنگ کنگ
	۹/۸	۵۰/۲	۱۵/۴	۸/۱	۱۸/۷	۱/۱	F	۱۹۸۱	
	۵۲/۸	۱۶/۴	۱۲/۰	۹/۲	۳/۷	M		
	۱۵/۲	۲۷/۰	۱۸/۴	۲۱/۸	۱۶/۲	۰/۱	F	۱۹۸۰	جمهوری کره
	۴۸/۷	۸/۰	۱۸/۳	۱۴/۸	۲/۴	M		
	۱۵/۴۸	۵/۹	۳۶/۴	۱۴/۲	۹/۸	۲۲/۲	۰/۵	F	۱۹۷۴	سنگاپور
	۳۹/۳	۸/۱	۱۶/۱	۱۳/۳	۲/۸	M	-۷۵	
	۲۸/۳	۱/۰	۲۸/۲	۱۴/۵	۱۲/۸	۳۰/۸	۲/۶	F	۱۹۸۳	
	۴۴/۲	۸/۸	۱۴/۵	۹/۱	۶/۸	M		
	۱۴/۸	۰/۲	۴۴/۹	۱۱/۶	۱۴/۱	۱۹/۹	۲/۱	F	۱۹۸۱	تایوان
	۴۱/۸	۹/۳	۱۲/۱	۱۳/۶	۳/۵	M		
										۴. کشورهای صنعتی - ژاپن
	۲۵/۲	۱/۷	۲۷/۲	۱۳/۷	۱۷/۰	۲۷/۵	۱/۰	F	۱۹۸۰	
	۳۸/۳	۶/۷	۱۴/۸	۱۴/۳	۷/۹	M		

1 - Index of segirgation

منبع: ILO سالنامه آماري سالهای مختلف - تایوان، سالنامه جمعیت ششگانه
۱۹۷۶، ۱۹۷۷، ۱۹۷۸، ۱۹۷۹، گزارشهای سرشماریهای ملی کشورهای مختلف.

روستایی، برای فراهم آوردن مراقبت‌های بهداشتی اولیه برای همه مردم، برای افزایش تولید غذای خانگی، برای کنترل رشد جمعیت و هدف‌هایی بسیار بیش از اینها بدون همکاری زنان روستایی غیرقابل دسترس بنظر می‌رسد. (۳۸) ولی پروسه مدرنیزاسیون تأثیر عواملی چند، در جهت زیان رساندن به فعالیت زنان روستایی عمل می‌کند. «توسعه [معادلات] پولی، ارتباطات سرمایه‌داری، تأکید بر تولید به عنوان منبع ارزش، به طور مشخص و مستند بر موقعیت و پایگاه طبقاتی پائین‌تر زنان روستایی مؤثر است. (۳۹)

آیا این عبارات را باید به این معنی گرفته که مدرنیزاسیون، انتقال تکنولوژی و توسعه همواره موجب نزول فعالیت‌های زنان را فراهم می‌کند؟ محققان (دوران‌د (۴۰) ۱۹۷۵، استاندینگ ۱۹۸۱، سینها (۴۱) ۱۹۶۵) معتقدند که «نوعی ارتباط U شکل بین میزان فعالیت زنان و توسعه اقتصادی وجود دارد که دال بر آن است که مشارکت اقتصادی زنان در طی مراحل اولیه توسعه کاهش می‌یابد و سپس در مراحل بعدی افزایش پیدا می‌کند. اگرچه این یک الگوی عمومی که در کلیه کشورها قابل مشاهده باشد، نیست. (۴۲) اما اعم از این که میزان فعالیت زنان در طی فرایند توسعه افزایش یا کاهش یابد. آنچه که مهم و قابل توجه است، این است که زمان چه نقش‌های تولیدی - اقتصادی‌ای در بخش‌های مختلف کشاورزی و غیرکشاورزی دارد. در این راستا بناچار باید پذیرفت که این نقشها از عوامل گوناگونی متأثرند که شرایط اجتماعی، فرهنگی - اقتصادی و اقلیمی و... از جمله آن عواملند و هر طرح و برنامه‌ای در جهت بهبود موقعیت زنان بناگزیب باید منظومه این عوامل را مدنظر داشته باشد.

فهرست منابع

- ۱ - سگالن (مارتین)، جامعه‌شناسی تاریخی خانواده - الباسی (حمید) - تهران - نشر مرکز - چاپ اول - ۱۳۷۰ - ص ص ۲۲۲ و ۲۲۳
- 2 - Productivity.
- 3 - F. Loutfi (Martha) - Rural women, unequal partners in development - General - International Labour office - 1980 - P 7.
- 4 - Cooperative system.
- 5 - Rogers (Everettem) - Rural sociology, social change in Rural society - New York - Appleton, century crofts - 1960 - P 64 , 65.
- ۶ - شرم‌ن وود - دیدگاه‌های نوین جامعه‌شناسی - از کجا

کشاورزان بی‌زمین را در دنیا تشکیل می‌دهند. آنان اگرچه در بیشتر مناطق کار زیادی بر روی زمین انجام می‌دهند چندان حقی ندارند. آنان عمدتاً در محدوده خانواده کار می‌کنند و هیچگونه قانونی آنان را در این جهت حمایت نمی‌کند. هرگونه رخدادی که وضعیت زندگی آنان را دگرگون کند (مواردی از قبیل طلاق یا بیوه‌گی) می‌تواند در وضعیت کاری آنان نیز تحولات اساسی ایجاد کند. «در مناطق روستایی آسیا، فقر تقریباً مترادف مالکیت زمین است. نتیجتاً یک ارتباط معکوس بین میزان مشارکت زنان در کار و مالکیت زمین وجود دارد. هنگامی که یک تحلیل آماری متکی بر اطلاعات کلان، نمی‌تواند هیچ همبستگی قابل توجهی را بین میزان مشارکت زنان در کار و توزیع زمینداری نشان دهد، این چنین ارتباطی به وسیله مطالعات در سطح فرد مطرح می‌شود. در مطالعه‌ای در بنگال غربی - کالیانا باردان (۳۱) (۱۹۸۴) نشان داد که نابرابری در توزیع زمین همبستگی عمده‌ای با مشارکت زنان در کار دارد. در اکی‌جین (۳۲) (۱۹۸۵)، در یک بررسی میدانی در روستای راجاستانی (۳۳) نیز این رابطه معکوس را تصدیق کرد و گیتاسن (۳۴) (۱۹۸۵) فهمید که نابرابری در توزیع زمین فاکتور مهم متضمن تغییرات ناحیه‌ای در اشتغال زنان است. (۳۵) واقعیت این است که بیشتر زنان در مناطق روستایی کارگران کشاورزی هستند که از این بحث، که زنان به فقیرترین خانواده‌ها به این دلیل کار می‌کنند که درآمد مرد را تکمیل کنند، حمایت می‌کند. بنابراین LFPR (میزان مشارکت نیروی کار) زنان تابعی از LFPR مردان و میزان دستمزد اوست. تا میزان حقوق پرداختی به زنان، تاساربتی (۳۶) براساس تحلیلی از اطلاعات، NSS برای سال‌های ۷۱ - ۱۹۷۰، یک همبستگی منفی بین میزان دستمزد مردان و اشتغال زنان یافته است که این ارتباط توسط استاندینگ در بین ممالک پیشرفته نیز تأیید شده است. (۳۷)

البته در کنار تأثیر عوامل فوق باید توجه داشت که در نقاط روستایی آسیا، بسیاری از زنان فعالیت‌های گوناگونی را که برای خانواده‌شان درآمدزاست، برعهده دارند. ولی بسیاری از موانع فرهنگی - اقتصادی موجب می‌شود که آنان تحت‌عنوان زن خانه‌دار افرادی از نظر اقتصادی، منفعل محسوب شوند.

با توجه به نقش عمده‌ای که این زنان در کشاورزی سنتی ایفا می‌کنند، نوعی بیداری تدریجی در بین طراحان [طرح‌های توسعه] ایجاد شده است. مأموران و کارشناسان به این واقعیت که زنان در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه اغلب مهم و صاحب نقش‌های کلیدی در فرایند توسعه هستند [واقف شده‌اند]. طرح‌های خیرخواهانه برای افزایش کلی در تولید و توسعه

(مصطفی) - ص ۱۴۱.

- 7 - Giddens (Anthony) - sociology - Oxford polity press - 1992 - P. 169, 170.
- ۸ - سگالن (مارتین) - همان مأخذ - ص ص ۲۲۲.
- 9 - Farm - hand.
- 10 - Giddens (Anthony) - Ibid - P 170.
- ۱۱ - سگالن (مارتین) - همان مأخذ - ص ص ۲۲۹ و ۲۵۰.
- 12 - Rogers (Evertem) - Ibid - P 75.
- 13 - Giddens (Anthony) - Ibid - P 175 - 180.
- 14 - Ibid - P 64, 65.
- 15 - Rogers (Evertem) - Ibid - P 7, 8.
- ۱۶ - سگالن (مارتین) همان مأخذ - ص ۲۲۲.
- 17 - Geertz.
- 18 - Hardiman (margaret) - Sociological perspective on women and development policy - P 76.
- 19 - Boserup.
- 20 - Ibid.
- 21 - Mid - decade.
- 22 - An decade of women.
- 23 - Hardiman (margaret) - Ibid - P 71.
- 24 - Ibid - P 76.
- 25 - United Nations - women's participation in Asia and the pacific - Bangkok - Economic and Social commission for Asia and the pacific - 1987 - P 14.
- 26 - Non - agricultural sector.
- 27 - United nations - Ibid - P 19.
- 28 - Oakley (Ann) - women's work, the housewife past and present - New York - pantheon books - 1974 - P 10.
- 29 - Eankhoo (siew) - Development and women's participation in the modern economy, Asia and the paufie - P 33.
- 30 - Noyar (Rohini) and sunanda (sen) - the employment of women in Bangladesh, India and Pakistan - P 102.
- 31 - Kalpana Bordhan.
- 32 - Peraki Jaen.
- 33 - Rajans thani village.
- 34 - Gitasem.
- 35 - Nayer (Rohini) and sen (sunanda) - Ibid - P 102.
- 36 - Thasarathy n. a.
- 37 - Nayar (Rohini) and sunanda (sen) - Ibid - P 105.
- 38 - F. Loutfi (Morthas - Ibid - P 5)
- 39 - Durand.
- 40 - Sinha.
- 41 - U.N - Ibid - P 13.